



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۲۰

دوکتور نوراحمد خالدي

خطوط اساسی یک صلح پایدار در افغانستان

الف: عوامل ادامه جنگ:

۱. آغاز و ادامه جنگ مسلحانه موجود در کشور عمدتاً در نتیجه قیام جنبش طالبان بر ضد دولت جمهوری اسلامی افغانستان و حامیان بین المللی آن بخصوص ایالات متحده امریکا میباشد؛
۲. جنبش طالبان دلیل قیام خود را جهاد برای ختم اشغال نظامی افغانستان توسط ایالات متحده امریکا قلمداد میکنند؛
۳. طالبان دولت موجوده افغانستان را به عنوان یک دولت مشروع برسمیت نشناخته آنرا دست نشاندۀ امریکا دانسته حاضر نیستند مستقیماً با آن به عنوان جانب مقابل مذاکره کنند؛
۴. ادامه این جنگ اوضاع امنیتی افغانستان را برای فعالیتهای سایر گروه های تروریستی مانند داعش و افراد گروههای تروریستی کشورهای آسیای مرکزی نیز مساعد نموده است؛
۵. جنبش طالبان خود را "امارت اسلامی" ساقط شده در سال ۲۰۰۱ قلمداد میکند؛
۶. جنبش طالبان در ادامه این جنگ در افغانستان از حمایت همه جانبه سازمانهای استخبارات نظامی و اردوی پاکستان برخوردار است؛
۷. جنبش طالبان در ادامه این جنگ در افغانستان از حمایت همه جانبه سازمانهای سیاسی، مذهبی و مطبوعاتی پاکستان برخوردار است؛
۸. جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان از امکانات وسیع پولی، بانکی، اطلاعاتی، مخابراتی، پلانگذاری، سوق و اداره، لوژستیک، ترانسپورتنی، تعلیماتی، صحنی، موجودیت پناهگاههای امن، تهیه و ذخیره اسلحه، تجهیزات و مهمات نظامی در خاک پاکستان استفاده میکند؛
۹. دلایل حمایت وسیع سیاسی و نظامی پاکستان از طالبان احیای مجدد یک دولت کاملاً وابسته در افغانستان میباشد تا این دولت عمق استراتژیک لازم را برای پاکستان در مقابل هند فراهم نماید؛
۱۰. پاکستان از موجودیت دولتهای وابسته در افغانستان با رویکار آمدن دولتهای مجاهدین و طالبان بین سالهای ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۱ برخوردار بود؛
۱۱. ادامه و مدیریت جنگ در افغانستان برای دولت و اردوی پاکستان پر مصرف نیست. جنبش طالبان در ادامه جنگ در افغانستان بر علاوه عواید کشت و قاچاق تریاک و سایر منابع داخلی عایداتی، از کمکهای پولی و سایر همکاریهای پنهانی یکتعداد کشورهای عربی، روسیه و ایران برخوردار است؛

۱۲. دولت پاکستان از کمکهای نظامی امریکا برای تجهیز طالبان استفاده کرده است؛
۱۳. از سالها به این طرف سازمان استخبارات نظامی پاکستان به تحقق دو سناریو دلبسته است: (۱) خروج اجتناب ناپذیر امریکا از افغانستان؛ و (۲) سقوط اجتناب ناپذیر دولت افغانستان. بنابراین سازمان استخبارات نظامی پاکستان حاضر است منتظر بماند و از این رهگذر هیچ عجله برای دستیابی به یک توافق صلح در افغانستان ندارد؛
۱۴. تهدید نفوذ داعش به کشورهای آسیای مرکزی و ایران از راه افغانستان کشور های روسیه و ایران را به حمایت از طالبان برای مقابله به این تهدید واداشته است؛
۱۵. مزید بر آن استراتژی متزلزل کردن موجودیت پایگاههای نظامی امریکا در افغانستان برای طول مدت کشورهای روسیه، ایران و چین را به حمایت پنهانی از طالبان واداشته است؛
۱۶. دلایل ادامه موجودیت نظامی امریکا و متحدان ناتوی آن در افغانستان مقابله با تهدید تروریسم بین المللی القاعده در منطقه و حمایت از دولت افغانستان برای جلوگیری از احتمال تبدیل شدن دوباره افغانستان به یک کشور امن برای القاعده و سایر گروههای تروریستی بیان شده است؛
۱۷. مزید بر آن، استفاده از موقعیت استراتژیک افغانستان در حاشیه جنوبی آسیای مرکزی برای مقابله با نفوذ روز افزون منطقه و جهانی قدرت نظامی روسیه، چین و ایران، ادامه موجودیت پایگاههای نظامی امریکا را در افغانستان توجیه میکند؛
۱۸. پدیده چند سر داعش، مقابله و در عین زمان استفاده ابزاری از آنها توسط استخبارات کشورهای مختلف، به پیچیدگی بحران در افغانستان افزوده است؛
۱۹. عوامل و شرایط بالا ادامه بحران و جنگ را در افغانستان پیچیده ساخته و ناگزیر راه های حل آنرا هم مغلّق نموده است؛
۲۰. جنبش طالبان در تعیین استراتژی رسیدن به یک توافق صلح ناگزیر به مراعات اهداف استراتژیک حامیان خود میباشد؛

ب: استراتژی تعیین خطوط رسیدن به یک توافق صلح:

۱. طالبان امریکا را جانب مستقیم مقابل مذاکره کننده دانسته و امید وار بودند تا با امریکا برای ختم جنگ به توافق رسیده و در نتیجه دولت امریکا نیروهای امنیتی افغانستان را خلع نموده دولت افغانستان را به آنها واگذار نماید؛
۲. به نظر میرسد که بعد از چندین دور مذاکرات مستقیم با امریکا طالبان به این نتیجه رسیده اند که تصور تسلیمی دولت افغانستان از جانب امریکا به طالبان یک خیال ناممکن است؛
۳. در نتیجه طالبان حاضر شده اند تا در مذاکرات به اصطلاح "بین الافغانی" صلح با دولت افغانستان نه به عنوان یک دولت، بلکه به عنوان یک طرف سیاسی در پهلوی سایر احزاب سیاسی سهم بگیرند؛
۴. به نظر میرسد که گروههای اشتراک کننده در کنفرانس اخیر صلح مسکو، دولت امریکا و روسیه با این طرح مخالف نیستند؛

۵. این امتیاز دادن طالبان بر این باور متکی است که در نتیجهٔ همچو مذاکرات طالبان به عنوان جانب برنده حکومت آینده افغانستان را تشکیل می‌دهند و آنها در مقابل اجازه می‌دهند سائر گروه‌های سیاسی نیز در دولت آنها اشتراک داشته باشند؛
۶. طالبان باور دارند که با ایجاد حکومت آنها نیروهای امنیتی افغانستان منحل میشوند، قانون اساسی منحل می‌گردد، شورای ملی منحل می‌شود و به عوض آن یک شورای علما تأسیس می‌شود که این شورا قانون اساسی آینده اسلامی را تصویب خواهد کرد؛
۷. طالبان واضح ساختند که به حقوق سیاسی و اجتماعی مردم و حقوق زنان در حدود احکام شریعت اسلامی موافقه دارند؛
۸. طالبان واضح ساختند که می‌خواهند قانون اساسی موجوده "اصلاح" شود اما واضح نساختند که با کدام مواد قانون اساسی موافق نیستند؛
۹. باید طالبان برداشت خود را از آنچه "ارزشهای اسلامی" در مورد حقوق زنان میدانند و همچنان برداشت خود را از آنچه "اصول اسلامی" از حقوق اساسی سیاسی مردم و آزادی بیان می‌پندارند روشن سازند و توضیح دهند که به ارتباط این دو مورد مشکل آنها با مواد مندرجه قانون اساسی چه میباشد؛
۱۰. به نظر میرسد که رییس جمهور اشرف غنی مخالفت خود را با این طرح به زلمی خلیلزاد نمایندهٔ وزارت خارجهٔ امریکا ابراز داشته است؛
۱۱. تدویر مذاکرات چند جانبهٔ بین الافغانی گروه‌های سیاسی و دولت با طالبان تنزیل مقام دولت به حد یک تنظیم سیاسی به نفع طالبان است؛
۱۲. تمام گروه‌های سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند منافع مشترک دارند و باید با صدای واحد با گروه طالبان مذاکره کنند؛
۱۳. تمام گروه‌های سیاسی و افرادی که بر اساس قانون اساسی در افغانستان فعالیت میکنند و منافع مشترک دارند باید از پیشنهاد تدویر لویه جرگهٔ مشورتی صلح حمایت و با آن همکاری کنند؛
۱۴. در لویه جرگهٔ مشورتی صلح به نمایندگان افغانهای مقیم در شهرهای بزرگ در دور دنیا فرصت و امکانات اشتراک فراهم گردد؛
۱۵. اصل حفظ و بقای دولت افغانستان و سازمانهای ملی امنیتی، قضایی، تعلیماتی و اداره دولت قابل مذاکره نبوده آنچه طرف مذاکره است چگونگی سهم ساختن عادلانهٔ طالبان در اداره دولت و حیات سیاسی قانونی کشور میباشد؛
۱۶. به طالبان پیشنهاد شود که در بدل ختم جنگ و شرکت در حیات سیاسی کشور از راههای صلح آمیز سهمگیری مساویانه و بیطرفانهٔ آنها در انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شورای ملی و شورا های ولایات و ولسوالیها با نظارت ملل متحد ضمانت خواهد شد؛
۱۷. شعار تشکیل حکومت اسلامی از جانب طالبان گمراه کننده است چون دولت فعلی و قانون اساسی موجوده نیز اسلامی میباشد؛
۱۸. ارزشهای آتی که دست‌آورد مردم افغانستان در هژده سال گذشته است نباید قربانی توافق سیاسی با طالبان گردند؛
۱۹. اصل آزادی فکر و بیان و آزادی تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی؛
۲۰. اصل انتخابات آزاد و حکومت انتخابی مسول در مقابل پارلمان انتخابی مردم؛

۲۱. اصول استقلالیت قوه قضاییه و آزادی مطبوعات ؛
۲۲. شورای پیشنهادی علمای طالبان و ملا ها ببايد به عنوان یک مرجع مشورتی بوده صلاحیت قانون گذاری نداشته باشد؛
۲۳. حقوق اساسی فردی که شامل مساوات حقوق زنان و مردان است باید تضمین گردد؛
۲۴. موجودیت و انکشاف معارف و تعلیم و تربیه همگانی ابتداییه، ثانوی و عالی مطابق معیارهای بین المللی بطور مساوی برای زنان و مردان باید ضمانت گردد؛
۲۵. موجودیت خدمات صحتی و دسترسی مساویانه به خدمات صحتی برای زن و مرد باید ضمانت گردد.

ج: دعوت برای ابراز نظر:

از افغانهای مقیم در افغانستان و در دور دنیا تقاضا میگردد تا این طرح را مطالعه نموده نظریات خود را بطور موجز بیان دارند تا متعاقبا متن نهایی به مقام ارگ ریاست جمهوری در کابل فرستاده شود!

پایان

